

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**غزوة تبوك  
و ماجراهای دردناک**

۲۱ آذر ۱۳۸۶

۱ ذی الحجة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾<sup>(۱)</sup>.

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

### چکیده سخن؛

جلسه گذشته در مورد یکی از آیاتی که اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه به آن استناد می نمایند، بحث نمودیم. با دقت در خود آیه به این نتیجه رسیدیم که خداوند متعال از همه مهاجرین و انصار راضی و خشنود نیست و این

۱-سوره توبه، آیه ۱۰۰.

آیه، عدالت، طهارت و صلاحیت همه صحابه را اثبات نمی‌نماید و تنها عدّه محدودی را در بر می‌گیرد؛ زیرا در صدر آیه دو قید «السابقون» و «الأولون» ذکر شده است؛ بنابر این معنای آیه شریفه این است که مهاجرت و نصرتی دارای فضیلت می‌باشد که همراه دو قید «سبقت و اولیت» باشد. نه تنها سابقین، بلکه اولین از سابقین از مهاجران و انصار مورد رضایت پروردگار هستند که البته گروه محدودی را تشکیل می‌دهند. در نتیجه، آیه مورد نظر در دلالت قاصر است و توان اثبات عدالت همه صحابه را ندارد. اگر اهل ادب و فنّ منصفانه در دلالت آیه تأمل نمایند، نتیجه کلام به روشنی معلوم خواهد شد.

اما اگر قائل به عدالت همه صحابه باشیم بین آیات قرآن مجید تعارض به وجود می‌آید. در جلسه گذشته اجمالاً به حادثه‌ای مهم اشاره نمودیم و آن واقعه نقشه ناموفق ترور رسول الله ﷺ در بازگشت از غزوه تبوک است که تعدادی از موجهین صحابه طراحان این توطئه شوم بودند.

### بررسی غزوة تبوک<sup>(۱)</sup>؛

دقت در ماجرای غزوة تبوک روشن می‌سازد که تمام صحابه شایستگی دارا بودن عنوان عدالت را ندارند.

منبع ما در نقل این ماجرا، قرآن مجید و مصادر معتبر اهل سنت است.

۱- تبوک سرزمین قضاعه شام، در سلطه روم بود ولی اکنون جزء حجاز است و فاصله اش تا مدینه ۷۷۸ کیلو متر است و در شمال مدینه واقع شده است. (معجم معالم الجغرافية في السيرة النبوية، صفحة ۵۹)

غزوهٔ تبوک آخرین غزوهٔ سپاهیان اسلام به فرماندهی رسول الله ﷺ، در ماه رجب سال نهم هجری رخ داد. این غزوه بر خلاف غزوات دیگر، بدون جنگ و خونریزی پایان یافت و برکات و نتایج بسیاری برای سپاهیان اسلام در برداشت.

مسلمانان در این جنگ باید مسیری طولانی را طی می‌کردند تا به قلمرو رومیان برسند. بدین منظور آنان جزیرهٔ العرب و عراق را پشت سرگزارند تا به شامات و قلمرو رومیان رسیدند. در آن روزگار امپراطوری روم بزرگترین قدرت زمان خود بود و ابر قدرتی جهانی به شمار می‌رفت. آنان چندی پیش توانسته بودند شکست سهمگین خود از ایرانیان را جبران کنند و بر آنان پیروز شوند. در همین رابطه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿غُلِبَتِ الرُّومُ \* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

رومیان مغلوب شدند \* و این شکست در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آنان پس از این مغلوبیت به زودی غلبه خواهند کرد.

ماجرا از این قرار بود که رومیان از این که به تازگی در نزدیکی مرزهای آنان گروهی قدرت گرفته‌اند ناراضی بودند و هر از چندی شیطنتهایی می‌کردند و برای مسلمانان مشکلاتی ایجاد کرده بودند. پیامبر ﷺ هم برای آن که آنان دست از کارهای خود بردارند، در اواخر عمر شریفشان به مسلمانان دستور دادند که برای جنگ با رومیان آماده گردند، به همین منظور سپاه بزرگی برای جنگ با رومیان آماده شد که شامل ده هزار سواره نظام و بیست هزار پیاده نظام بود. سپاه

۱-سورهٔ روم، آیات ۳-۲.

در منطقه‌ای در نزدیکی مدینه به نام «ثنیة الوداع»<sup>(۱)</sup> اردو زد. این جنگ به عنوان معیار و سنگ محکی برای پیامبر ﷺ و آیندگان بود تا مسلمانان واقعی از مدعیان دروغگو باز شناخته شوند. عملکرد صحابه در این غزوه میزان دقیقی برای قضاوت تاریخ به شمار می‌رود.

### بررسی رفتار صحابه در غزوة تبوک

#### الف: مشتاقان و همراهان رسول الله ﷺ؛

گروه فراوانی بلا فاصله پس از فرمان رسول الله ﷺ لباس رزم بر تن نمودند و در لشکرگاه حاضر شدند. گروه دیگری نیز برای حضور در جنگ اعلان آمادگی نمودند اما مرکب و وسیله‌ای برای مبارزه نداشتند. خداوند سبحان در رابطه با این عده و ناتوانان و بیماران می‌فرماید:

﴿لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ \* وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه) جهاد ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند)، هر گاه برای خدا و رسولش خیر خواهی کنند (و از آنچه در توان دارند

۱- منطقه‌ای در نزدیکی مدینه، پیامبر ﷺ در این منطقه هنگام خروج از مدینه با افراد وداع می‌کردند. (معجم البلدان، جلد ۲ صفحه ۸۶)

۲- سوره توبه، آیات ۹۲-۹۱.

مضایقه نمایند) بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست و خداوند آمرزنده و مهربان است \* و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی برای جهاد سوار کنی، گفتی: مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم، (از نزد تو) بازگشتند، در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود، زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند).

این گروه، علاقمند و مشتاق به حضور در جنگ و همراهی رسول الله ﷺ بودند، اما به خاطر نداشتن ساز و برگ جنگ موفق به یاری پیامبر ﷺ نشدند. این گروه هم در این آزمون پیروز شدند.

### ب: بهانه جویان؛

در میان صحابه، افراد ترسو و سست عنصری بودند که برای عدم حضور در جنگ بهانه‌های واهی می‌آوردند و عذر تراشی می‌کردند. آنان خود به چند گروه تقسیم می‌شدند.

#### ۱- ترس از ارتکاب گناه؛

از جمله افرادی که به بهانه‌های واهی از یاری رسول الله ﷺ سر باز زدند «جدّ ابن قیس» از بزرگان قبیله خزرج بود. بهانه وی این بود که من علاقه فراوانی به جنس مخالف دارم و می‌ترسم در جنگ با رومیان فریب دختران زیباروی رومی را بخورم و خود را بیازم و جهاد - که نوعی عبادت است - تحت الشعاع میل جنسی من قرار گیرد.

«فقال: یا رسول الله ﷺ [أؤ تاذن لي ولا تفتني، فوالله لقد عرف قومي

أَتَهَ مَا مِنْ رَجُلٍ بِأَشَدَّ عَجَبًا بِالنِّسَاءِ مِنِّي ، وَإِنِّي أَخْشِي إِنْ رَأَيْتَ نِسَاءَ بَنِي الْأَصْفَرِ أَنْ لَا أَصْبِرَ»<sup>(۱)</sup>.

جدّ بن قیس گفت: ای رسول الله ﷺ [به من اجازه بده] در جنگ حاضر نشوم [و مرا به گناه میفکن، به خدا سوگند که خویشاوندانم می دانند که علاقه شدیدی به زنان دارم، و می ترسم که نتوانم در برابر دختران زرد روی [رومیان] مقاومت کنم. خداوند متعال در شأن او این آیه را نازل فرمود.

﴿وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ انذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

بعضی از آنها می گویند: به ما اجازه ده تا در جهاد شرکت نکنیم و ما را به گناه نیفکن، آگاه باشید آنها هم اکنون در گناه سقوط کرده اند و جهنم کافران را احاطه کرده است.

این فرد و افرادی همچون وی در این امتحان، سرافکنده شدند. آنان به بهانه فرار از گناه، از حضور در جنگ امتناع ورزیدند، اما نمی دانستند که گناه بزرگتری مرتکب شدند و آن نافرمانی و سرپیچی از دستور رسول الله ﷺ بود.

## ۲- دنیا دوستان توبه کننده؛

گروه دیگری از صحابه در عین علاقه به پیامبر ﷺ و دینداریشان، دنیا را نیز دوست می داشتند. بهانه آنان این بود که الآن فصل شدت گرما و برداشت

۱- سیره این هشام، جلد ۴ صفحه ۱۵۹- بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۱۹۳.

۲- سوره توبه، آیه ۴۹.



محصول (خرما) می‌باشد. اگر به جنگ برویم زحمات یک ساله ما از بین می‌رود و تمام محصولات ضایع می‌گردد، لذا ما در مدینه می‌مانیم و پس از برداشت محصول به سپاهیان اسلام ملحق می‌شویم. سر کرده این گروه افرادی چون کعب ابن مالک، مرارة ابن ربیع و هلال ابن اُمیة بودند.

پس از بازگشت سپاهیان اسلام به مدینه، رسول الله ﷺ گفتگو و معاشرت با آنان را تحریم نمودند. همه مسلمانان حتی خانواده آنان با این سه نفر قطع رابطه کردند و زندگی برای آنان بسیار سخت شد. به همین دلیل آنان برای مدتی به اطراف مدینه رفتند و از مردم کناره گرفتند و به عبادت و توبه پرداختند تا اینکه توبه آنان پذیرفته شد<sup>(۱)</sup>.

خداوند سبحان در رابطه با این گروه می‌فرماید:

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ  
وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ  
لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>(۲)</sup>.

و (همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) باز ماندند (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد، (حتی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند، (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود و (به آنان توفیق

۱- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۷۵- بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۰۲.

۲- سوره توبه، آیه ۱۱۸.

داد) تا توبه کنند، خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.  
 این گروه که می‌خواستند دنیا و آخرت را با هم داشته باشند، آدمی را به یاد سخنی از حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌اندازند که فرمودند:  
 «مثل الدنيا والآخرة كمثل رجل له ضرّتان»<sup>(۱)</sup>.  
 مثل دنیا و آخرت مثل مردی است که دو زن دارد.  
 آری! جمع دنیا و آخرت بسیار سخت می‌باشد. چگونه می‌توان دل به دنیا بست و چشم به آخرت دوخت؟

### ۳- منافقان توطئه‌گر؛

گروه دیگر از صحابه افرادی بودند که خود را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیک کرده بودند و تمام مسلمانان به خاطر جایگاه ویژه و ممتازشان به آنان احترام می‌گذاشتند، اما آنان در واقع نه مسلمان بودند و نه به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان داشتند. آنها فقط بسیار خوب ایفای نقش می‌کردند و هیچ کس فکر نمی‌کرد که آنان منافق باشند و نقشه‌های دیگری در سر پیروانند. به دلیل همین جایگاه ویژه، آنان نمی‌توانستند از حضور در جنگ طفره برونند، لذا به تضعیف روحیه سپاهیان می‌پرداختند و شایعه می‌کردند که جنگ سخت و مسیر طولانی در پیش رو دارید و احتمالاً از شدت گرسنگی و تشنگی تلف می‌شوید و ... به خاطر سختیها و مشکلات فراوان، این غزوه به (جیش العسرة) «سپاه سختی» معروف شد<sup>(۲)</sup>.

۱- بحار الانوار، جلد ۷۰ صفحه ۱۲۲، ضرة: هوو.

۲- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۰.

خداوند متعال در رابطه با این گروه می فرماید :

﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

بازماندگان از جنگ تبوک از مخالفت با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوشحال شدند، و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند و به یکدیگر و مؤمنان گفتند، در این گرما به سوی میدان حرکت نکنید به آنان بگو آتش دوزخ از این هم گرم تر است اگر می دانستند.

یکی از مورّخین اهل سنت در رابطه با بهانه، بهانه جویان می گوید آنان به تضعیف روحیه سپاهیان اسلامی پرداختند و می گفتند رومیان بسیار قدرتمند هستند و عاقبت جنگ با آنان یا کشته شدن است و یا اسارت و هیچ راه فراری نخواهید داشت و هرگز پیروز نمی شوید<sup>(۲)</sup>.

### منافقان و روشهای تضعیف روحیه

#### الف: گوشزد کردن خطر کم آبی؛

برخی از صحابه که مجبور به همراهی با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شده بودند از هر فرصتی برای تضعیف روحیه و اخلال در میان سپاهیان اسلام استفاده می کردند. در یکی از این موارد، سپاهیان با کمبود آب روبرو شدند و خطر تشنگی آنان را تهدید می کرد تا جایی که مجبور شدند شترهای خود را بکشند و از آب

۱- سوره توبه، آیه ۸۱.

۲- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۸.

ذخیره شده در بدن آنان استفاده کنند. منافقان در این هنگام بهانه بی آبی را مطرح کردند تا رسول الله ﷺ از جنگ منصرف گردند، اما پیامبر ﷺ دعا کردند و خداوند متعال ابری فرستاد و باران آمد و سپاهیان سیراب شدند<sup>(۱)</sup>.

### ب: شایعه پراکنی؛

یکی دیگر از روشهای منافقان برای تضعیف روحیه سپاهیان این بود که دست به شایعه پراکنی می‌زدند. آنها هر لحظه خبر می‌دادند که عده‌ای از رزمندگان به مدینه باز گشتند و از جنگ گریختند و پیامبر ﷺ هر بار می‌فرمودند: اگر خیری در آنان باشد به شما ملحق می‌شود و اگر خیری در آنان نباشد خداوند متعال شما را از شر آنان نجات داده است. یکی از شایعات منافقان این بود که ابوذر در میان سپاهیان نیست و حتماً گریخته و به مدینه بازگشته است. پس از چندی رسول الله ﷺ شبی را دیدند که از دور به سمت سپاهیان می‌آید. ایشان فرمودند:

«کن أباذر».

ابوذر باش.

پس از مدتی سپاهیان دیدند که ابوذر با مشکى پر از آب به سمت رسول الله ﷺ آمد و از فرط خستگی بی هوش بر زمین افتاد. پس از آنکه به هوش آمد گفت: در میان راه آبی خوشگوار و زلال یافتم، مشکم را پر از آب نمودم و با خود گفتم تا حبیبم رسول الله ﷺ از آن ننوشد از آن نخواهم نوشید. سپس پیامبر ﷺ در حقّ وی فرمودند:

۱- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۵، تاریخ اسلام ذهبی، جلد ۵ صفحه ۶۲۵.

«رحم الله أبأذر، یمشی وحده ویموت وحده و یبعث وحده»<sup>(۱)</sup>.

خداوند ابوذر را بیمارزد، وی تنها راه می رود و تنها می میرد و تنها در قیامت برانگیخته می شود.

پیش بینی رسول الله ﷺ در مورد ابوذر به وقوع پیوست. هنگامی که عثمان وی را به ربه - منطقه ای در نزدیکی مدینه - تبعید کرد کسی به جز دخترش - و بر اساس برخی از منقولات همسرش - همراه او نبود. این صحابی مظلوم و تنهای پیامبر ﷺ در واپسین لحظات عمر خود به همراهش گفت: پس از مرگ من سر راه بایستید، و به کاروانی که برای رفتن به مکه از اینجا عبور می کند، بگویید یکی از صحابه رسول الله ﷺ فوت کرده است. آنان مرا غسل می دهند و به خاک می سپارند<sup>(۲)</sup>.

### ج: شک در نبوت رسول الله ﷺ؛

یکی دیگر از کار شکنی های منافقان هنگامی بود که شتر رسول الله ﷺ گم شد. آنان گفتند: این شخص چگونه ادعا می کند که فرستاده خدا است در حالی که نمی داند شترش کجا است؟ رسول الله ﷺ در پاسخ به آنان فرمودند:

«إني والله ما أعلم إلا ما علمني الله وقد دلتني الله عليها... قد حبستها شجرة يزمامها»<sup>(۳)</sup>.

۱- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۷، بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۱۵.

۲- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۸.

۳- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۸.

به خدا سوگند من چیزی نمی دانم جز آن چه که خداوند به من پیاموزد، و خداوند مرا از جای شتر آگاه نمود... الان افسار شتر به درختی در فلان مکان گیر کرده است.

گروهی رفتند و شتر رسول الله ﷺ را در همان منطقه یافتند و آن را آوردند<sup>(۱)</sup>.

### سرانجام غزوة تبوك؛

سپاهیان اسلام پس از پشت سر گذاشتن همه سختیها به منطقه تبوك رسیدند و در آنجا حدود ده روز اقامت کردند. رومیان چون روحیه و قدرت سپاهیان اسلام را دیدند و از طرف دیگر هنوز داغ شکست در جنگ موته<sup>(۲)</sup> بر جانشان التیام نیافته بود و تلخی آن را در خاطر داشتند حاضر به درگیری با مسلمین نشدند و فرار کردند. برخی از امیر نشینان منطقه با پیامبر ﷺ پیمان صلح امضا کردند و برخی نیز مسلمان شدند و بدین ترتیب امنیت در مرزهای کشور اسلامی برقرار شد و پیامبر ﷺ پس از مشورت با اصحاب به مدینه بازگشتند.

### توطئه قتل رسول الله ﷺ؛

عده‌ای از صحابه رسول الله ﷺ که چاره‌ای جز حضور در جنگ نداشتند و نظریه پردازان عدالت صحابه، حکم به عدالت آنان کرده‌اند، پس از بازگشت از

۱- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۷، بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۳۴.

۲- جنگ موته در سال هشتم هجری با رومیان در سرزمینی به همین نام در نزدیکی شام به وقوع پیوست و علت بروز این جنگ تنبیه امیران دست نشانده روم و ملوک وابسته در آن سرزمین بود، آنها سفیر پیامبر ﷺ به نام حارث بن عمیر را دو ماه پیش از فتح مکه کشته بودند و مبلغان اسلام را به قتل می رساندند. (سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۵)

غزوه تبوک توطئه‌ای بسیار شوم و ننگین علیه رسول الله ﷺ در سر داشتند و نقشه‌ای ریختند که رسول الله ﷺ را به قتل برسانند. خداوند متعال پرده از توطئه شوم آنان بر می‌دارد و در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ \* يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ بِمَا لَمْ يَنَالُوا ﴿١﴾ .

ای پیامبر [ﷺ] با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سر نوشتی است! \* به خدا سوگند می‌خورند که در غیاب پیامبر [ﷺ] سخنان نادرست نگفته‌اند در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند و پس از اسلام آورد نشان، کافر شده‌اند و تصمیم به کار خطرناکی گرفتند، که به آن نرسیدند.

واقعه عقبه تبوک از این قرار است که هنگام بازگشت به مدینه، رسول الله ﷺ به سپاهیان دستور دادند که از بیابان عبور کنند، اما خود ایشان مسیر کوتاه‌تری را انتخاب نمودند. این مسیر تنگ و باریک بود و گردنه‌ای نیز در آن قرار داشت. رسول الله ﷺ به حذیفه ابن یمان و عمار یاسر دستور دادند که همراه ایشان باشند. عمار افسار شتر رسول الله ﷺ را در دست داشت و حذیفه در پشت شتر حرکت می‌کرد، ناگهان صدایی شنیدند و دریافتند که گروهی از دستور رسول الله ﷺ سرپیچی کرده‌اند و با فاصله اندکی از آنان حرکت می‌کنند. « فغضب رسول الله ﷺ و أمر حذيفة أن يراهم ، فرجع ومعه محجن

فاستقبل وجوه رواحهم وضربها ضرباً بالمحجن وأبصر القوم وهم متلثمون»<sup>(۱)</sup>.

پیامبر ﷺ هنگامی که از نافرمانی آنان آگاه گشتند عصبانی شدند و به حذیفه دستور دادند که آنان را ببیند، وی با چوب دستی به طرف آنان رفت و مرکبهای آنان را زد و آنان را دید در حالی که نقاب به چهره داشتند.

آنان دوازده نفر، هشت نفر از قریش و چهار نفر دیگر از غیر قریش بودند و قصد داشتند با استفاده از تاریکی شب، شتر رسول الله ﷺ را رم دهند و آن را به دره بیندازند. اما هنگامی که حذیفه به آنان حمله‌ور شد، از ترس اینکه مبادا شناخته شوند سریع برگشتند و در میان سپاهیان پنهان شدند.

هنگامی که حذیفه به نزد رسول الله ﷺ بازگشت، پیامبر ﷺ به وی فرمودند: آیا آنان را شناختی؟ وی در پاسخ عرض کرد: علاوه بر تاریکی شب آنان نقاب بر چهره داشتند اما مرکب فلان و فلان را شناختم.

سپس رسول الله ﷺ به حذیفه و عمار فرمودند آنان قصد ترور مرا داشتند و نام آنان را به حذیفه و عمار گفتند و قرار گذاشتند که اسم آنان فاش نشود<sup>(۲)</sup>.

۱- البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۲۴، بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۴۷.  
 ۲- مغازی، جلد ۲ صفحه ۱۰۶۲، البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۲۶، بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۴۷. برای مطالعه بیشتر بنگرید به البداية والهاية، جلد ۵ صفحه ۵، تاریخ اسلام ذهبی جلد ۱ صفحه ۶۲۷ و الكامل في التاريخ جلد ۲ صفحه ۲۷۶. و از منابع فارسی بنگرید به فروغ ابدیت، جلد ۲ صفحه ۳۸۵ و تاریخ روضة الصفا، جلد ۴ صفحه ۱۵۶۶.



## نتیجه سخن؛

سخن ما با نظریه پردازان عدالت همه صحابه این است که اگر آیه ۱۰۰ سوره توبه، عدالت همه صحابه را ثابت می‌کنند، با آیه ۷۵ سوره توبه چه می‌کنید؟ مگر نه آن است که می‌گویید همه صحابه عادل اند؟ آیا صحابه‌ای که قصد ترور رسول الله ﷺ را داشتند عادل اند؟ آیا این افراد که قرآن مجید و کتب مورد اعتماد شما از قصد شوم آنان پرده برداشته‌اند، می‌توانند عادل باشند؟ آیا نفاق از این روشن‌تر در تاریخ یافت می‌شود؟

نظریه پردازان عدالت صحابه دو راه بیشتر در پیش رو ندارند؛ یا باید منکر صحابی بودن آن دوازده نفر بشوند، که ظاهراً طبق مبانی آنان این کار شدنی نیست و یا باید آیه ۷۵ سوره توبه را حذف و قرآن را تحریف کنند!

## تحریف حقایق، حربه‌ای پوشالی؛

متأسفانه مدتی است که در کتب روایی اهل سنت تحریفاتی صورت می‌گیرد. در این تریبون عمومی، که در سراسر دنیا منتشر می‌شود به صراحت اعلام می‌کنم که برخی علما و اندیشمندان اهل سنت مدتی است که به یک خیانت و جنایت بزرگ علمی دست زده‌اند و آن تحریف، حذف و جابه جایی در روایاتی است که در کتب صحاح آنان درج شده است. می‌توان به طور دقیق این دست بردن و تحریف را به دانشمندان آنان اثبات کرد، که در چه کتابی از کدام چاپ و انتشارات چه روایتی را حذف و یا تحریف کرده‌اند. آیا شایسته است که به

خاطر تعصبات بی جا کتابی چون صحیح بخاری که عده‌ای آن را همچون قرآن مجید مقدّس می‌شمارند را تحریف کرد؟!

وقایع غزوه تبوک در صحیح بخاری<sup>(۱)</sup> و صحیح مسلم<sup>(۲)</sup> ثبت شده است، آیا اگر آنها را حذف و تحریف کردید واقعیت خارجی را نیز می‌توانید تغییر دهید؟ آیا می‌توانید قرآن مجید را نیز تحریف کنید؟!

نخستین کسانی که از حذف و تحریف منابع مورد اعتماد اهل سنت صدمه و لطمه می‌بینند خود آنان هستند و هیچ زبانی متوجه دیگران نخواهد شد؛ چرا که با این کار اعتباری برای آنان و کتابهایشان باقی نخواهد ماند و دیر یا زود در مجامع علمی جهانی رسوا خواهند شد همانطور که رسوا و رو سیاه نیز شده‌اند. از این پس دیگر محافل علمی به سخنان و استدلالات آنان هیچ وقعی نمی‌نهد چرا که استناد و استدلال مبتنی بر کتب تحریف شده در هیچ نهاد علمی پذیرفتنی نمی‌باشد.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱- صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۲۸.

۲- شرح صحیح مسلم، جلد ۱۷ صفحه ۱۲۰.

## خود آزمایی؛

- ① چرا آیه ۱۰۰ سوره توبه عدالت گروه محدودی از صحابه را اثبات می‌کند؟
- ② پیامبر ﷺ در غزوه تبوک در چه شرایطی و علیه چه قدرتی دستور جنگ صادر کردند؟
- ③ قرآن مجید در رابطه با بیماران و بی بضاعتانی که نتوانستند در غزوه تبوک پیامبر ﷺ را همراهی کنند چه می‌فرماید؟
- ④ جدّ ابن قیس که بود و بهانه او از عدم همراهی سپاهیان اسلام در غزوه تبوک چه بود؟
- ⑤ چه کسانی از همراهی سپاهیان اسلام به بهانه برداشت محصول خودداری کردند و سرانجام آنان چه شد؟
- ⑥ منافقان برای تضعیف روحیه رزمندگان غزوه تبوک چه روشهایی اتخاذ کردند؟
- ⑦ پیامبر ﷺ در رابطه با ابوذر چه فرمودند و چه پیش بینی کردند؟
- ⑧ منافقان چه توطئه‌ای علیه رسول الله ﷺ در سر داشتند و چه آیه‌ای در رابطه با آنان نازل شد؟
- ⑨ پیامبر ﷺ در رابطه با توطئه منافقان به حدیثه و عمّار چه فرمودند؟
- ⑩ دانشمندان اهل سنت امروزه برای اثبات نظراتشان از چه ترفندی استفاده می‌کنند؟
- ⑪ تحریف کتب علمی اهل سنت ریشه در چه امری دارد؟
- ⑫ نتیجه تحریف کتب علمی اهل سنت چیست؟

مستأسفانه مدّتی است که در کتب  
روایی اهل سنّت تحریفاتی صورت  
می‌گیرد. در این تریبون عمومی، که در  
سراسر دنیا منتشر می‌شود به صراحت  
اعلام می‌کنم که برخی علما و اندیشمندان  
اهل سنّت مدّتی است که به یک خیانت و  
جنایت بزرگ علمی دست زده‌اند و آن  
تحریف، حذف و جابه‌جایی در روایاتی  
است که در کتب صحاح آنان درج شده  
است. می‌توان به طور دقیق این دست  
بردن و تحریف را به دانشمندان آنان اثبات  
کرد، که در چه کتابی از کدام چاپ و  
انتشارات چه روایتی را حذف و یا تحریف  
کرده‌اند. (صفحه ۱۷ از همین جزوه)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

پست الکترونیکی: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

**محل برگزاری جلسات:**

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۳۶

۲